موضوع پژوهش (2)

دشمن‏شناسى‏

جواد محدّثى‏

يكى از شناخت‏هاى ضرورى و تعيين كننده در زندگى كه به سعادت انسان نيز ارتباط پيدا مى‏كند، «دشمن‏شناسى» است.

دشمن، مخالف رشد، كمال و سعادت انسان است و از راه‏هاى مختلف، «دشمنى» خود را ابراز مى‏كند. به همين دليل شناخت شيوه‏هاى دشمنىِ دشمن نيز اهميت دارد.

دشمن، يا درونى است يا بيرونى، يا آشكار است يا پنهان، يا دشمنى خود را ابراز مى‏كند يا مخفى مى‏سازد، يا كوچك و كم اهميت است، يا بزرگ و خطرناك، يا چهره دوست به خود مى‏گيرد و يا با صراحت به ميدان مى‏آيد. اين است كه شناخت دشمن و ويژگى‏هاى او نيز ضرورى است.

گاهى ممكن است انسان خودش دشمن خودش باشد و يا با خودش كارى كند كه دشمن مى‏كند. گاهى اين دشمن، «نفس امّاره» انسان است. پس بايد آن را هم شناخت.

دشمن، گاهى در عرصه سياسى بروز مى‏كند، گاهى دشمن اقتصادى است، گاهى دشمن فرهنگى و اخلاقى است، گاهى خصومتش را در عرصه نظامى اعلام مى‏نمايد و گاهى از معبر فرهنگ و انديشه وارد مى‏شود. پس شناخت ميدان‏ها و زمينه‏هاى هجوم و ضربه زدن هم متفاوت است و بايد اين ميدان‏ها را شناخت.

از اين‏رو «دشمن‏شناسى» از شناخت‏هاى مهمى است كه علاقه‏مندان به سعادت فردى و اجتماعى خويش بايد به آن حساسيت نشان دهند و هوش‏يار باشند تا غافل‏گير نشوند و ضربه نخورند. آن‏چه در اين پژوهش مى‏خوانيد، بخشى از قلمرو گسترده اين موضوعِ حساس را در بر مى‏گيرد.

دشمنانِ ما

هدف از يك زندگى مكتبى، رسيدن به كمال انسانى و شكوفا شدن استعدادهاى علمى، عملى، روحى و ايمانى در مسير رضاى پروردگار است. گاهى بعضى از عوامل يا اشخاص يا نيروها و گروه‏ها، جلوى اين رشد و بالندگى را مى‏گيرند، چون با كمال و رشد ما در تضادند؛ آنان دشمن ما محسوب مى‏شوند.

در آيات قرآن و روايات، برخى چيزها و اشخاص، دشمن شناخته شده‏اند. اين دشمنان عبارت‏اند از:

1 - شيطان؛

2 - نفس امّاره؛

3 - بعضى از همسران و فرزندان؛

4 - كفار و منافقان؛

5 - يهوديان و دشمنان دين خدا.

هم‏چنين گاهى پدر و مادرانى كه فرزندان خود را به گناه سوق مى‏دهند، يا دوستانى كه هم‏نشينان خويش را به فساد مى‏كشانند، در رديف دشمنان به شمار آمده‏اند.

البته شيوه دشمنى هر يك از اينها به صورتى خاص است و اگر آن شيوه‏ها را ندانيم، ضربه مى‏خوريم. درباره دشمنان ياد شده، آيه‏ها و روايت‏هاى فراوانى است. براى نمونه به برخى از آنها اشاره مى‏شود:

1 - «الم اعهد اليكم يا بنى آدم ان لا تعبدوا الشيطان انّه لكم عدوّ مبين؛(1) اى فرزندان آدم! آيا با شما عهد نكردم كه شيطان را نپرستيد!؟ همانا او براى شما دشمنى آشكار است.»

2 - «يا ايّها الّذين آمنوا انّ من ازواجِكم و اولادِكم عدوّاً لكم فاحذَروهم...؛(2) اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، بعضى از همسران و فرزندان شما دشمن شمايند، پس از آنان برحذر باشيد.»

3 - «انّ الكافرين كانوا لكم عدوّاً مبيناً؛(3) همانا كافران، دشمنان آشكار شما هستند.»

4 - پيامبر خدا (ص) فرمود: «اعدى‏ عدوّك نفسك الّتى بين جنبيك؛(4) دشمن‏ترين دشمن تو، همان نفسى است كه در درون توست.»

5 - امام على (ع) فرمود: «اعدى‏ عدوٍّ للمرء غضبه و شهوته؛(5) دشمن‏ترين دشمن انسان، خشم و شهوت اوست.»

از مجموعه اين آيات و احاديث كه از ديدگاه‏هاى مختلف و ابعاد گوناگون به دشمن اشاره دارد، مى‏توان فهميد كه شيطان به دليل اين‏كه انسان را از خدا دور مى‏كند و به گناه مى‏افكند، دشمن انسان است. بعضى از همسران و فرزندان چون موجب مشغول شدن انسان مى‏شوند و او را از عبادت و انجام وظايف دينى باز مى‏دارند، دشمن‏اند. مشركان و كفار كه با دين خدا در ستيزند، دشمن مسلمانان شمرده مى‏شوند. نفس امّاره و هواى نفس كه در درون انسان است و او را به سمت گناه سوق مى‏دهد، دشمن درونى انسان است. خشم و شهوت نيز اگر مهار نشود، عامل بسيارى از خطاها و جنايت‏ها مى‏باشد.

دشمن آشكار و نهان‏

در موضوع دشمن‏شناسى، شناخت دشمنان نهان، بسيار مهم است. بعضى‏ها آشكارا دشمنى خود را ابراز مى‏كنند و لذا برخورد با آنان آسان‏تر است، چون انسان تكليف خود را با آنها مى‏داند. اما دشمنى كه اظهار دوستى مى‏كند و دشمنى خود را پنهان مى‏سازد تا در فرصت مناسب ضربه بزند، بسيار خطرناك است. منافقان از اين‏گونه دشمنان‏اند. به همين دليل در آيات قرآن، هشدارهاى فراوانى درباره منافقان آمده است تا مسلمانان فريب اين دشمنانِ دوست‏نما را نخورند و از آنان اطاعت نكنند.(6)

دشمنانى هم كه عداوت خود را پنهان مى‏كنند، از خطرناك‏ترين دشمنان‏اند و بايد آنان را شناخت و نقشه‏هايشان را دانست. اميرمؤمنان على (ع) مى‏فرمايد: «أكبر الاعداء اخفاهم مكيدة ؛(7) بزرگ‏ترين دشمنان آنانند كه نقشه و نيرنگ خود را پنهان مى‏كنند». امام حسن عسكرى (ع) هم مى‏فرمايد: «أضعف الاعداء كيداً من اظهر عداوته؛(8) ضعيف‏ترين دشمنان از نظر حيله و نيرنگ، كسى است كه دشمنى خود را آشكار كند.»

نحوه برخورد با دشمنان‏

براى مصونيت از خطرات دشمن، هم آگاهى لازم است، هم هوش‏يارى و هم آمادگى. دوستى كردن با دشمن، بسيار زشت و زيان‏بار است. دشمن، دشمن است و نمى‏توان با او از درِ دوستى در آمد، چون از همين نقطه ضربه مى‏خوريم. دشمن را هم نمى‏توان ضعيف شمرد و دست كم گرفت، كه ضربه‏پذيرى را افزايش مى‏دهد. چاپلوسى‏ها و اظهار دوستى‏هاى دشمن را هم نبايد باور كرد، چون به اين وسيله دام مى‏گسترد تا به تور بيندازد.

با اين حساب مى‏توان گفت در برخورد با دشمنان، سه نكته بسيار اهميت دارد و در آموزه‏هاى دينى هم بر اين نكات تأكيد فراوان شده است:

1 - شناخت دشمن و شيوه‏هاى او؛

2 - دشمن دانستن دشمن و ساده نبودن؛

3 - دشمنى كردن با دشمن، نه دوستى و مودّت.

قرآن كريم بارها يادآورى كرده كه شيطان، دشمن انسان است. بر اين نكته هم هشدار داده كه اين دشمن را دشمن بگيريد و با او مثل دشمن برخورد كنيد. از جمله در اين آيه: «انّ الشيطان لكم عدوّ فاتخذوه عدوّاً؛(9) شيطان، دشمن شماست، او را دشمن بگيريد و دشمنانه با او برخورد كنيد.»

در حديثى هم از امام صادق (ع) نقل شده است كه: «احذروا اهوائكم كما تحذرون اعدائكم؛(10) از هواهاى نفسانى خودتان برحذر باشيد، آن‏گونه كه از دشمنان خويش حذر مى‏كنيد.»

در گذشته هم از دشمن بودن نفس امّاره ياد كرديم. اين دشمن درونى، پيوسته وسوسه مى‏كند تا انسان را به گناه بكشد. پس نبايد به خواسته‏هايش تن داد و از آن پيروى كرد.

با دشمن نفس، صلح كردن ننگ است‏

چون در همه حال با خرد در جنگ است‏

هر چند سخن ز آشتى مى‏گويد

خصمى است كه آتش بس او نيرنگ است(11)

از توصيه‏هاى امام على (ع) درباره نحوه برخورد با دشمن اين است: «لا تستصغرنّ عدوّاً و ان ضعف؛(12) دشمن را كوچك مشمار، هر چند ضعيف باشد.»

همين نكته سبب شد كه مسلمانان در سال هشتم هجرى پس از فتح مكه در نبرد حُنين، وقتى به جنگ با قبيله هوازن رفتند، چون خود را قوى و دشمن را ناچيز مى‏پنداشتند، ضربه سختى خوردند. قرآن هم از اين واقعه ياد مى‏كند و نقطه ضعف مسلمانان را غرور و قوى پنداشتن خود و ناچيز انگاشتن كفار مى‏داند: «و يوم حُنينٍ اذا عجبتكم كثرتكم...؛(13) و در روز حنين (خدا يارى‏تان كرد) وقتى كه زيادى نفرات شما را مغرور كرد.»

به قول سعدى:

دانى كه چه گفت زال با رستم گُرد

دشمن نتوان حقير و بيچاره شمرد

اين توصيه، درباره دشمن درونى، يعنى هواى نفس هم وجود دارد، چون دشمنىِ نفس امّاره بسيار قوى و پنهانى است.

رذايل اخلاقى، دشمن درونى‏

اشاره شد كه در دشمن‏شناسى نبايد از «دشمن داخلى» غافل بود. دشمن داخلى، هم مهره‏هاى سرسپرده و خائن در داخل يك جامعه و ملت را شامل مى‏شود و هم غرايز و كشش‏ها و رذيله‏هاى اخلاقىِ درونى را در بر مى‏گيرد.

وجود صفت‏هايى همچون: عُجب، حسد، كبر، دنياطلبى، حرص و آز، مقام دوستى، غرور، تعلّقات مادى، شهوت، غضب و... در درون انسان، فرصت مناسبى براى مسلّط شدن شيطان بر انسان است. شيطان به تعبير قرآن، دشمن آشكار و «عدوّ مبين» انسان است و از هر وسيله‏اى براى اغواى او بهره مى‏گيرد. اين رذايل نيز مانند پياده نظام آن دشمن عمل مى‏كند و از شيطان وسوسه‏پذيرى دارد.

وقتى كالاهاى شيطان پسند و اجناس ابليس پرور در دل باشد، طبيعى است كه اين‏گونه دل‏ها ملعبه شيطان شود. مرحوم فيض كاشانى نقل مى‏كند كه شخصى به نام «جرير بن عبدالله» نزد عارفى به نام «علاء بن زياد» از وسوسه‏هاى درونىِ دلش شكايت كرد. وى گفت: مَثَل آن، مثل خانه‏اى است كه دزدان بر آن مى‏گذرند. اگر در خانه دزدزده چيزى باشد، مشغول آن مى‏شوند و اگر خانه خالى باشد، رهايش مى‏كنند؛ يعنى قلب خالى از هوا و هوس، گذرگاه و اقامت‏گاه شيطان نمى‏شود. از اين‏رو خداوند فرموده است: «شيطان را بر بندگان من سلطه‏اى نيست».(14) پس هر كه متابعت هواى نفس كند، بنده شيطان است نه بنده خدا.(15)

اگر در احاديث معصومين (عليهم السلام) از جهاد با نفس سخن گفته شده و آن را برتر از جهاد با دشمن بيرونى دانسته‏اند و نام «جهاد اكبر» را بر آن گذاشته‏اند، به سبب همين رذايل هلاكت بار است كه سعادت و آينده انسان را تباه مى‏سازد. امام باقر (ع) فرمود: «لا جهاد كمجاهدة الهوى؛(16) هيچ جهادى مانند مبارزه با هواى نفس نيست.»

اين‏گونه روايات، رهنمود مى‏دهد كه رذايل اخلاقى و تمنّيات و شهوات نفسانى را دشمنى بپنداريم كه هم شناخت آن ضرورى است و هم پيكار و غلبه بر آن لازم است.

دشمنان فكر و عقيده‏

دشمن هميشه در عرصه مادى، سياسى و نظامى نيست. دشمنان فكرى و فرهنگى هم وجود دارند كه خصومت آنان با انديشه‏هاى ناب اسلامى و توحيدى است و چون با اسلام دشمنى دارند، به صورت آشكار يا پنهان، بى‏نقاب يا با نقاب، به جنگ اسلام مى‏آيند و از طريق انحراف افكار و ترويج انحرافات و سست كردن باورها و ايجاد شبهه، به دين حق ضربه مى‏زنند. دشمن‏شناسى در اين عرصه هم ضرورى است و دشمن شناسان بايد هشدارهاى لازم را درباره اين تاراج گران عقايد بدهند.

شهيد مطهرى (ره) يكى از چهره‏هاى بارز اسلامى بود كه در بعد فكرى، فرهنگى و اعتقادى، قدرت «دشمن‏شناسى» خوبى داشت و در سخن‏رانى‏ها و نوشته‏هايش به صورت كتاب و مقاله، آنان را افشا مى‏كرد.

يكى از نويسندگان به تبيين مقابله استاد مطهرى با چهار جريان عمده فرهنگى و اجتماعى پرداخته كه در جهت تضاد با انديشه اسلامى فعاليت و حركت مى‏كردند؛ يعنى جريان ماركسيسم و مادى‏گرى، جريان ناسيوناليسم و ملى‏گرايى، جريان تحجّرگرايى و جريانِ التقاط.(17)

در مسائل اعتقادى و تبيين ديدگاه‏هاى اسلامى، گروهى از مخالفان اسلام ناب، با شيوه التقاط و آميختن دين به غير دين و افزودن لعاب اسلامى بر محتويات غير اسلامى، سعى در القاى اسلام خاصى داشتند كه جوهره آن، مادى بود. استاد مطهرى، اين خصومت عقيدتى و انحراف ايدئولوژيك را مى‏شناخت و افشا مى‏كرد. از جمله در مقدمه كتاب ارزش‏مندِ «علل گرايش به ماديگرى» مى‏نويسد:

«ماترياليسم در ايران، در يكى دو سال اخير، به نيرنگ تازه‏اى بس خطرناك‏تر از ''تحريف شخصيت‏ها`` دست يازيده است و آن، تحريف آيات قرآن و تفسير مادى محتواى آيات، با حفظ پوشش ظاهرى الفاظ است. اين نيرنگ، نيرنگ جديدى است و از عمر آن در ايران كمتر از دو سال مى‏گذرد. البته اصل اين طرح و نيرنگ، چيز تازه‏اى نيست؛ طرحى است كه ''كارل ماركس‏`` براى ريشه‏كن كردن دين از اذهان توده‏هاى معتقد در صد سال پيش داده است. طرح ماركس اين است كه براى مبارزه با مذهب در ميان توده معتقد، بايد از خود مذهب عليه مذهب استفاده كرد؛ به اين صورت كه مفاهيم مذهبى از محتواى معنوى و اصلى خود تخليه و از محتواى مادى پر شود تا توده، مذهب را به صورت مكتبى مادى دريابد. پس از اين مرحله، دور افكندن پوسته ظاهرى دين، ساده است.»(18)

ايشان در ادامه همان نوشته، چنين آورده است:

«مطالعه نوشته‏هاى به اصطلاح تفسيرى كه در يكى دو سال اخير منتشر شده و مى‏شود، ترديدى باقى نمى‏گذارد كه توطئه عظيمى در كار است. در اين‏كه چنين توطئه‏اى از طرف ضد مذهب‏ها براى كوبيدن مذهب در كار است، من ترديد ندارم. آن‏چه فعلاً براى من مورد ترديد است، اين است كه آيا نويسندگان اين جزوه‏ها خود اغفال شده‏اند و نمى‏فهمند كه چه مى‏كنند و تنها دست‏هاى پشت پرده هستند كه مى‏دانند چه مى‏كنند؟ و يا خود اينها عالماً عامداً با توجه به اين‏كه با كتاب مقدس هفتصد ميليون مسلمان چه مى‏كنند، دست به چنين تفسيرهاى ماترياليستى زده و مى‏زنند؟»(19)

وى در يكى ديگر از نوشته‏هاى خود در تحليل مسائل انقلاب اسلامى اين‏گونه اعلام خطر مى‏كند:

«من به عنوان يك فرد مسئول به مسئوليت الهى، به رهبران عظيم الشأن نهضت اسلامى - كه براى همه‏شان احترام فراوان قائلم - هشدار مى‏دهم و بين خود و خداى متعال اتمام حجّت مى‏كنم كه نفوذ و نشر انديشه‏هاى بيگانه به نام انديشه اسلامى و با مارك اسلامى - اعمّ از آن‏كه از روى سوء نيت و يا عدم سوء نيت صورت گيرد - خطرى است كه كيان اسلام را تهديد مى‏كند.»(20)

در مورد تحجّر، شهيد مطهرى سخنان بسيارى دارند. درباره خوارج نهروان كه يك نمونه از متحجّران زمان صدر اسلام بودند، مى‏نويسد: «خطر جهالت اين‏گونه افراد و جمعيت‏ها بيشتر از اين ناحيه است كه ابزار و آلت دست زيرك‏ها قرار مى‏گيرند و سدّ راه مصالح عاليه اسلامى واقع مى‏شوند. هميشه منافقان بى‏دين، مقدسان احمق را عليه مصالح اسلامى بر مى‏انگيزند. اينها شمشيرى مى‏گردند در دست آنها و تيرى در كمان آنها.»(21)

پى‏گيرى همه توطئه‏هاى فرهنگى و شبهه آفرينى‏هاى اعتقادى كه از سوى دشمنان خارجى و وابستگان آنان در داخل انجام مى‏گيرد و حساس بودن به آن، قلمرو گسترده «دشمن‏شناسى» را نشان مى‏دهد كه يك مسلمان بصير و هوش‏مند، بى‏نياز از آن نيست.(22)

در موضوع دشمن‏شناسى، زمينه كار و پژوهش بسيار است. اميد است كه خوانندگان گرامى محورهاى ديگرى از بحث را پى‏گيرى كنند.

محورهاى پژوهش‏

لطفاً فقط يكى از محورهاى زير را انتخاب كرده و درباره آن مقاله بنويسيد.

1 . دشمنان امروز اسلام و مسلمانان چه كسانى‏اند و چگونه دشمنى مى‏كنند؟

2 . چرا «نفس امّاره» دشمن ماست و چگونه بايد با آن برخورد كرد؟

3 . تلاش‏هاى شهيد مطهرى در شناختن و شناساندن دشمنان اسلام و انقلاب.

4 . زيان‏هاى ناشى از نشناختن دشمن.

5 . شيوه‏هاى برخورد با دشمن.

منابع پژوهش‏

1 . على‏باقى نصرآبادى، انديشه‏هاى اجتماعى شهيد مطهرى، انتشارات بوستان كتاب.

2 . امام خمينى (ره)، صحيفه نور.

3 . ميزان الحكمه، واژه «عدوّ».

4 . محسن آژينى، التقاط و تحجّر از ديدگاه شهيد مطهرى، نشر سازمان تبليغات اسلامى.

5 .سيدمحمد حسينى، دوچهرگان، انتشارات بوستان كتاب.

6 . فتح‏الله نجارزادگان، مصاف بى‏پايان با شيطان، انتشارات بوستان كتاب.

7 . جهانبخش ثواقب، نگرشى تاريخى بر رويارويى غرب با اسلام، انتشارات بوستان كتاب.

8 . محمدمهدى آصفى، دنياى اسلام و تهاجم فرهنگى غرب، ترجمه تقى متّقى.

9 . جواد منصورى، شناخت استكبار جهانى، نشر آستان قدس رضوى.

10 . محمدعلى العوينى، امپرياليسم تبليغى يا تبليغات بين‏المللى، ترجمه محمد سپهرى، نشر سازمان تبليغات اسلامى.

11 . امام خمينى (ره)، جهاد اكبر، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.

12 . امام خمينى (ره)، چهل حديث، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.

13 . آيات مربوط به كفار، منافقين، يهود، اهل كتاب.

14 . نهج البلاغه، مباحث مربوط به نفس امّاره، شيطان، ابليس، دشمنان.

15 . حسن واعظى، اصلاحات و فروپاشى، انتشارات سروش.

16 . نفوذ و استحاله، تهيه و تنظيم از: سپاه پاسداران انقلاب اسلامى، قرارگاه ثارالله.

لطفاً قبل از تدوين مقاله، نكته‏هاى زير را به دقت مطالعه فرماييد:

1 . براى علاقه‏مندان به تحقيق و مقاله‏نويسى، دو موضوع پژوهش در نظر گرفته شده است كه مى‏توانيد با توجه به استعداد، فرصت و توان علمى خويش، يكى از آنها را به اختيار انتخاب كرده و مقاله بنويسيد.

2 . تهيه و ارسال منابع معرفى شده، در توان ما نيست. شما مى‏توانيد با مراجعه به كتاب‏خانه‏ها، دوستان و...، منابع مزبور و يا كتاب‏هاى مناسب ديگرى را تهيه كنيد.

3 . لطفاً مقاله‏هاى خود را با خط خوانا و حتماً بر روى يك طرف كاغذ بنويسيد.

4 . براى سهولت در ارزيابى مقاله، پاورقى‏هاى هر صفحه را در پايين همان صفحه يادداشت نماييد.

5 . در صورتى كه نوشته ارسالى صرفاً رونويسى از منابع باشد، امتيازى نخواهد داشت.

6 . مقاله‏هايى كه خارج از موضوعات پيشنهادى مجله باشد، در مسابقه شركت داده نمى‏شود.

7 . مطالب اقتباس شده از ديگران را حتماً با مشخصات كامل بياوريد، در غير اين صورت از امتياز مقاله كاسته خواهد شد.

مراحل و نحوه تدوين پژوهش:

1 . ابتدا منابع معرفى شده يا منابع ديگر را مطالعه كرده و مطالب مورد نياز را در برگه‏هاى جداگانه‏اى يادداشت كنيد (فيش بردارى).

2 . آن‏گاه يادداشت‏ها را با توجه به اصول نگارش مقاله، رده‏بندى و تنظيم نماييد.

3 . سپس مطالب آماده شده را تكميل كنيد. تجزيه و تحليل، استدلال، نقد و پرورش مطالب در اين قسمت انجام مى‏شود.

4 . پس از تكميل مطالب، آنها را به صورت يك نوشته منسجم درآوريد. دقت كنيد هر بحثى بايد در جاى‏گاه مخصوص خود قرار گيرد.

5 . نوشته تنظيم شده را چندين بار مطالعه و بازنگرى كرده و خطاهاى نگارشى احتمالى را برطرف و سپس آن را پاك‏نويس كنيد.

رديف معيارهاى ارزيابى پژوهش امتياز

1 عنوان بندى دقيق بحث با ترتيبى منطقى 2

2 تمركز در موضوع بحث و منحرف نشدن از آن 1

3 بيان مستدل و علمى مطالب 1

4 تجزيه و تحليل علمى و پرورش معانى 1

5 بهره‏گيرى از حكمت و داستان، شعر، مثال و... 1

6 توازن حجم مطالب در محورهاى مختلف بحث 1

7 مطابق با واقع بودن مطالب و دقت در ارائه صحيح آنها 1

8 استفاده به جا از آيات و احاديث و صحيح نوشتن آنها 1

9 سادگى و روانى قلم 1

10 تناسب سبك نوشتارى مقاله با موضوع 1

11 رعايت عفت قلم و ادب اسلامى و پرهيز از عبارات زايد و نادرست 1

12 نوآورى در ارائه مطالب و شيوه نگارش 1

13 بهره‏گيرى از منابع معتبر، ذكر آدرس دقيق مطالب و نقل قول‏ها 1

14 استفاده از معلومات شخصى در تدوين مقاله 2

15 رعايت اصول نگارش، علائم سجاوندى و تنظيم فنى پاورقى‏ها 1

16 در حد يك مقاله بودن (حداقل پنج صفحه A4) 1

17 نوشتن بر يك طرف كاغذ، رعايت فاصله بين سطرها و خوانا بودن 1

18 نتيجه‏گيرى از بحث 1

\* جمع كل 20

پىنوشت ها:

1) يس (36) آيه 60.

2) تغابن (64) آيه 14.

3) نساء (4) آيه 101.

4) ميزان الحكمه، ح 12057.

5) غررالحكم و دررالكلم، ح 3269.

6) از جمله به اين آيات دقت كنيد: توبه، آيه 101 و 67؛ احزاب، آيه 1 و 12؛ منافقون، آيه 1 و 2؛ نساء، آيه 142؛ تحريم، آيه 9؛ حشر، آيه 11؛ بقره، آيه 8 تا 15 و ده‏ها آيه ديگر.

7) الحياة، ج 1، ص 133.

8) همان، ص 132؛ به نقل از: بحارالانوار.

9) فاطر (35) آيه 6.

10) كافى، ج 2، ص 335.

11) جواد محدّثى، برگ و بار، ص 287.

12) غررالحكم و دررالكلم، ج 6، ص 273.

13) توبه (9) آيه 25.

14) اسراء (17) آيه 65.

15) فيض كاشانى، محجّة البيضاء، ج 5، ص 50.

16) همان، ص 286.

17) على باقى‏نصرآبادى، سيرى در انديشه‏هاى اجتماعى شهيد مطهرى، ص 116 - 104.

18) علل گرايش به ماديگرى، مقدمه، ص 33.

19) همان، ص 35. سخنان ايشان بيشتر ناظر به گروه‏هاى انحرافى از قبيل گروه فرقان و منافقين بود.

20) بررسى اجمالى نهضت‏هاى اسلامى در صد ساله اخير، ص 90 - 89.

21) جاذبه و دافعه امام على (ع)، ص 155.

22) دو مقاله از نويسنده، به نام‏هاى: «يك ميدان و دو هجوم» و «نفاق مدرن» به تبيين همين شيوه‏ها پرداخته است.